

«محمد فیلی» دوست دارد کریم خان زند شود!

گفت و گو با محمد فیلی بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون را در ادامه بخوانید.

به گزارش سایت خبری پرسون، نقش‌های نسیم‌بیگ و بسیم‌بیگ سریال «روزی روزگاری» بود اما به قدری خوب توانست یکی از منفورترین شخصیت‌های تاریخ دینی و مذهبی ما را بازی کند که با این نقش در خاطره‌ها بماند. محمد فیلی، بازیگر پیشکسوت شیرازی سینما و تلویزیون سال‌ها با سریال‌هایش برای ما خاطره‌سازی کرده است. از جمله نقش موش سریال «تفنگ سرپر» به کارگردانی امرا... احمدجو که بازپخش آن این روزها در شبکه آی‌فیلم است و بهانه‌ای شد برای این‌که سراغ این بازیگر برویم و خاطرات را مرور کنیم. اگر یادآوری خاطرات «روزی روزگاری»، «مختارنامه» و «تفنگ سرپر» و سریال‌های دیگر، برایتان جالب است می‌توانید در این گفت‌وگو همراه ما باشید.

گویا یکی از بازیگران مجموعه «سلطان فارسی» هستید. از نقشی که در این سریال بازی می‌کنید، بگویید.

هنوز بازی من شروع نشده و مقابل دوربین نرفته‌ام. فعلا درباره نقشم چیزی نمی‌دانم. احتمالا قرار است دقیقه نود متوجه شوم (می‌خندد). هنوز نمی‌دانم استاد میرباقری چه خوابی برایم دیده است. فقط می‌دانم که در این سریال بازی می‌کنم. به آقای میرباقری اعتماد دارم و می‌دانم اتفاق خوبی خواهد افتاد.

شنیده‌ایم در سریال «رعد و برق» آقای افخمی هم نقش خاصی ایفا کرده‌اید.

من در این سریال نقش یک روحانی ترکمن را بازی می‌کنم.

آیا با فرهنگ اقوام ترکمن آشنایی دارید؟

به هر حال به خاطر این سریال مدتی آنجا بودم و با یکی از روحانیون ترکمن نشست و برخاست داشتم. با هم ساعت‌ها گپ می‌زدیم و گفت‌وگو می‌کردیم و با رفتار و زندگی این افراد آشنا شدم.

پس باید جزو نقش‌های سخت و پرچالش برای شما باشد.

بله به هر حال سخت بود، اما در عین حال تجربه جالب و تازه و متفاوتی برای من بود. چون تا به حال چنین نقشی را بازی نکرده بودم و با فرهنگ این منطقه از کشور هم آشنایی نداشتم. نمی‌دانستم که آنها برای غذا خوردن آداب و رسوم خاصی دارند و قبل و بعد از غذا، دعای خاصی می‌خوانند. با دقتی که آقای افخمی در کار داشت، فکر می‌کنم مورد قبول قرار گرفته است. اتفاقا آن آقای روحانی هم بخش‌هایی از سریال را دیده و خیلی استقبال کرده بود.

البته شما در طول این سال‌ها نقش‌های متفاوت بسیاری بازی کرده‌اید. اما فکر می‌کنم خیلی از مخاطبان، شما را با نقش شمر می‌شناسند؟

بله هر جا که می‌روم، من را با این نقش به یاد دارند و می‌شناسند. به هر حال هم سریال «مختارنامه» کار فاختی بود و هم این‌که کوچک و بزرگ این شخصیت را می‌شناسند و همیشه با فردی برخورد می‌کردند که تداعی‌کننده این شخصیت در تعزیه‌ها و عزاداری‌ها برایشان باشد. با این حال وقتی این سریال پخش شد و من این نقش را بازی کردم، به نوعی ثبت شد.

وقتی این نقش به شما پیشنهاد شد، برایتان سخت نبود که چنین نقش منفی را بازی کنید؟

چون من دوست نداشتم، طبیعتا برایم خیلی سخت بود آن را بازی کنم. وقتی آقای میرباقری این پیشنهاد را به من داد، فکر کردم شوخی می‌کند. برای همین گفتم چرا من باید این نقش را بازی کنم؟ این همه نقش در این سریال هست! با این حال همه امیدم به این بود که این نقش را خوب بازی کنم و بتوانم از عهده‌اش برآیم. چون بازی کردن در چنین نقش‌هایی خیلی سخت است. چون کوچک‌ترین اشتباه بازیگر آن را خراب می‌کند و نتیجه خوبی حاصل نمی‌شود. بنابراین تلاش کردم مورد قبول مردم بازی کنم و از طرفی منفور جامعه نشوم.

با این‌که سریال‌های ماندگاری بازی کرده‌اید، اما مدتی است حضور کم‌رنگی نسبت به گذشته دارید. دلیل خاصی دارد؟

به هر حال نسل جوان وارد این حرفه شده و کار می‌کند و قدیمی‌ها کمتر فعالیت می‌کنند و البته باید بیایند. چون به هر حال ایده‌های خوبی دارند. البته بی‌تجربه هستند و گاهی آدم با آنها به مشکل برمی‌خورد. از طرف دیگر ما کمبود قصه‌های خوب داریم. مشکل اساسی، فیلمنامه خوب است. در سینما و گاهی هم در تلویزیون.

در طول این سال‌ها که در عرصه بازیگری فعالیت می‌کنید و بارها تجربه حضور در سریال‌های تاریخی را داشته‌اید، باز هم شخصیت تاریخی هست که دلتان بخواهد آن را در یک سریال بازی کنید؟

خب نقش‌های زیادی هست که دوست دارم بازی کنم، اما قسمتم نشده است. اما نقش کریمخان زند را خیلی دوست دارم بازی کنم. چون به لحاظ طایفه با این شخصیت نسبت داریم و هم این‌که خیلی خوب این شخصیت را می‌شناسم و درباره آن شناخت کافی دارم. البته دوست دارم هر چه زودتر سریال «حضرت موسی(ع)» هم ساخته شود. چون قرار بود من در آن سریال بازی کنم.

شما در سریال «روزی روزگاری» هم با گویش شیرازی صحبت می‌کردید.

در این سریال هم شیرازی و هم کازرونی و هم لری و میمه‌ای صحبت می‌کردیم. آن هم سریال خوبی بود ولی شرایط خیلی سختی برای کار در آن دوران داشتیم. چون پیدا کردن فیلم، سخت بود و تحریم هم بودیم و سخت پیدا می‌شد. ما هر حلقه فیلم را از یک شهرستان پیدا می‌کردیم. البته تصحیح رنگ صورت گرفته و سریال‌ها در بازپخش با کیفیت خیلی خوبی دیده می‌شود. ما برای این سریال و «تفنگ سرپر» حدود یک سال و نیم در بیابان‌ها بودیم.

از این سریال‌ها خاطره‌ای دارید؟

من در سریال «تفنگ سرپر» دو آسیب جدی دیدم که هنوز هم یکی از آنها را با خودم یدک می‌کشم(می‌خندد). خاطرم هست ما از بدلکار استفاده نمی‌کردیم و دوست داشتیم خودمان بازی کنیم. البته تمرین می‌کردیم. یک‌بار در تمرین، زمانی که سوار اسب بودم، دست اسب داخل یک چاله افتاد و هر دو با سر زمین خوردیم که گردن من آسیب دید و نخاعم درد گرفت و تا مرز قطع شدن رفت. حدود یک سال و نیم با گردن بسته و درد گردن بازی می‌کردم. در یکی از سکانس‌ها هم با چوب بازی می‌کردم و بالای سرم گرفته بودم که چوب به لانه زنبور خورد و نزدیک دو هزار زنبور سر من ریختند و من را نیش زدند. انگار سرم را داخل آب جوش کرده بودند و شبیه توپ بسکتبال شده بود و تا چند وقت چشمانم باز نمی‌شد. اهالی روستا آمدند و زنبورها را از صورت من جدا کردند و من را به بیمارستان رساندند. خاطرات خوب هم دارم. آن هم آشنایی با اهالی روستایی بود که در آنجا کار می‌کردیم. مهمان آنها می‌شدیم و بسیار با مهربانی از ما استقبال می‌کردند. ما سریال‌های آقای احمدجو را در روستاهای میمه کار می‌کردیم که مردم بسیار مهربانی دارد.

واکنش مردم نسبت به بازیگران نقش منفی چیست؟

محمد فیلی، بازیگر درباره نقش منفی می‌گوید: در گذشته برخوردها متفاوت بود. اما مخاطب به آن هوشمندی رسیده که بازیگر فقط یک نقش را بازی می‌کند و ربطی به خودش ندارد. البته با من خیلی خوب برخورد می‌کنند. چند روز پیش سفری به مشهد داشتم و وقتی می‌خواستم برای زیارت مشرف شوم، مدام مورد لطف و محبت مردم قرار می‌گرفتم و با من عکس می‌گرفتند و صحبت می‌کردند. خادمان حرم هم برخورد خوبی داشتند و به من لطف و محبت می‌کردند.

منبع: جام جم